



## رستم‌نامه تلاشی برای حفظ حماسهٔ ملی و پهلوانان بومی

ابراهیم استاجی، هستی‌قادری‌سپه‌ی



### چکیده

حماسه‌ها در تجدید حیات فرهنگ ملی، نقش درخور توجهی داشته‌اند؛ به همین روی برخی از جریان‌های فکری جزم‌اندیش، با هرگونه نماد و اثر بومی و ملی با رنگ و بوی فرهنگ ایران پیش از اسلام، مخالف بودند و به مقابله با آن می‌پرداختند. پیداست رستم‌نامه از آن دست آثار است که سراینده در منظومهٔ خود با موضوع مسلمان شدن رستم به دست حضرت علی(ع)، در پی آن بوده است که با آمیختن دو شخصیت ملی - داستانی و دینی - مذهبی در میانهٔ این دو بُعد، تعادل ایجاد کند و در برابر نگاه تک‌بعدی برخی از افراد، مدعی شود که اگر قهرمان ملی ایرانیان، رستم در شرایط زمانی و تاریخی متفاوتی قرار می‌داشت و امکان آشنایی با اهل بیت برای او فراهم بود، بی‌تردید مسلمان می‌شد. در این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی چرایی و چگونگی در آمیختن شخصیت‌های دینی و حماسهٔ ملی در رستم‌نامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: رستم‌نامه، ادبیات بومی، حماسه، مذهب.

بر اساس یک نوع تقسیم بندی حماسه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند نوع اول حماسه‌های طبیعی و ملی که در آن شاعر، داستان‌های مکتوب یا شفاهی که برآیند افکار و علایق یک ملت است را به نظم در می‌آورد و نوع دیگر حماسه‌های مصنوع است که در این منظومه‌ها شاعر به ابداع و خلق داستان با تخیل خود، می‌پردازد (ر.ک: صفا ۲۶: ۱۳۸۷)؛ بر اساس این تقسیم بندی رستم‌نامه را می‌توان منظومه‌ای مصنوع به شمار آورد زیرا شاعر با تخیلات خود و آمیختن دو داستان در دو زمان متفاوت، منظومه را خلق می‌کند. از لحاظ موضوعی رستم‌نامه را می‌توان در گروه حماسه‌های دینی یا مذهبی به شمار آورد؛ حماسه‌های دینی پیامد درون‌گرایی یک ملت و عدم تقابل با دیگر ملل است برخلاف حماسه‌های پهلوانی که پیامد زندگی فعال و در تقابل جنگ و صلح با اقوام دیگر پدید آمده است (ر.ک: شمیسا، ۶۹: ۱۳۸۳). حماسه‌ها و به ویژه حماسه‌های ملی، عرصه‌ای درخور توجه برای درک آرمان‌ها، آداب و اندیشه‌های یک ملت هستند (ر.ک: استاجی و صادقی‌منش، ۱۳۹۵: ۲۴)؛ شاهنامه فردوسی به عنوان مهم‌ترین اثر حماسی ملی، برسازنده هویت ملی ایرانیان است. فردوسی با شاهنامه خود فرهنگ، زبان و جامعه ایرانی را از نابودی، نجات داد اما همواره جریان‌های فکری در طول تاریخ وجود داشته‌اند که شاهنامه را مقابل با اندیشه‌های مذهبی و دینی می‌دانستند (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: ۹). برخی بر این باور بودند که حماسه‌ها آمیزه‌ای از افسانه‌ها و اساطیری هستند که پیوندی با واقعیت ندارند و آگاهی‌های واهی و بی‌اهمیتی به مخاطبان خود می‌دهند؛ این افراد به این واقعیت آگاه نبودند که همین افسانه‌های به ظاهر واهی است که در هر دیاری گروهی را به نام ملت، همدل و هم‌زبان کرده است (ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۲۴). به سبب ناآگاهی از اثرات مثبت چنین آثاری است که عده‌ای حتی شنیدن آثار حماسی ملی را گناه می‌دانستند و آثاری چون شاهنامه را قصه مجاز، گنه‌نامه و... می‌نامیدند (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: ۱۱)، پیداست که این غرض‌ورزی‌ها و اکنش‌های بسیاری در میان مردم ایران، برای حفظ حماسه ملی خویش، داشته است. عده‌ای که از تخریب اثر بومی ملت خود بیمناک بودند، سعی بر آن داشتند تا اسطوره‌های شاهنامه را با شخصیت‌های مذهبی درآمیزند تا آن را از نگاه تک‌بعدی حاکم در آن زمانه، نگاه دارند. رستم‌نامه در عصر صفویه نگاشته شده و سراینده آن نامعلوم است (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: ۴۱). در دولت صفویان پیشرفت چندانی در زمینه ادبیات نسبت به دوره‌های پیشین مشاهده نمی‌شود (ر.ک: انصاری، ۱۳۸۶: ۱۷۹) زیرا شاعران تنها مجاز به سرودن اشعار مذهبی بودند و عده زیادی از شعرا به هند و سرزمین‌های دیگر مهاجرت کردند (ر.ک: انصاری، ۱۷۴: ۱۳۸۶). از قرن‌های ۶ و ۷ به بعد به دلیل وجود حکومت‌های غیر ایرانی، رواج اندیشه‌های اسلامی و عرفانی، بسیاری از روایات پهلوانی از بُعد ملی و قهرمانی آن کاسته و بیشتر اشعاری با مضامین تاریخی و دینی سروده شده است (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۸: ۵۳). رستم‌نامه از آن دست آثار پس از شاهنامه است که با مضمون مسلمان شدن رستم

به دست حضرت علی(ع)، در پی آن بوده است که شخصیت دینی و مهم ذهن شیعیان، حضرت علی(ع) را با شخصیت اسطوره‌ای و پهلوان ایران زمین، رستم در آمیزد و نشان دهد که اگر رستم در زمان حضرت علی(ع) وجود داشت، چه بسا دین اسلام را می‌پذیرفت؛ با چنین رویکردی نویسنده رستم‌نامه در پی حفظ پهلوانان یک حماسه بومی در بازه‌ای از تاریخ است که در اثر نگاه برخی از اقشار، بیم از بین رفتن آثار حماسی ملی را دارند.

### ۱-۱- بیان مسئله

پرسش‌های بنیادینی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است از این قرار است:

الف - چه رابطه‌ای میان شاهنامه‌ستیزی و پدیدآمدن حماسه‌های دینی پس از شاهنامه است؟

ب - آیا می‌توان رستم‌نامه را یک حماسه دینی دانست که در پاسخ به وضعیت جامعه پدید آمده است؟

ج - آیا رستم‌نامه اثری است برای حفظ پهلوان حماسه بومی ایرانیان؟

بر بنیاد همین پرسش‌هاست که فرضیه‌های پیش‌رو بیان می‌شود:

الف - برخی حماسه‌های دینی برآیند شاهنامه‌ستیزی‌های افراطی حاکم بر جوامع گذشته، پدیده آمده است.

ب - رستم‌نامه حماسه دینی است که در دوره صفویان و در پاسخ به نیازهای آن جامعه نگاشته شده است.

ج - رستم‌نامه در پی حفظ یکی از پهلوانان اصلی حماسه بومی و ملی ایرانیان است.

با پیش چشم داشتن گمانه‌های پژوهش و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیف و تحلیل، نگارندگان خواهند کوشید تا چرایی و چگونگی در آمیختن شخصیت‌های دینی و حماسه ملی در رستم‌نامه را نمایان سازند.

## ۲-۱- پیشینه تحقیق

از جمله آثاری که به موضوع مقاله پیش‌رو پرداخته‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- کتاب رستم‌نامه به کوشش سجاد آیدنلو که در مقدمه آن به شاهنامه‌ستیزی‌های موجود در جوامع، به صورت گذرا اشاره شده است و بخش اصلی این کتاب نسخه رستم‌نامه است که براساس نسخه کتابخانه دانشکده علوم معقول و منقول (شماره ۵۵۳۶) نگارش یافته و اساس پژوهش‌های ما در مقاله پیش‌رو نسخه موجود در کتاب است.

- کتاب حماسه‌سرایی در ایران از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری نوشته ذبیح الله صفا که بخشی از این کتاب به توضیح و تفسیر دقیق انواع حماسه و ماهیت و کیفیت آنان پرداخته شده است. با وجود توضیحات مفیدی که در این کتاب درباره حماسه‌های مصنوع آمده، در آن به رستم‌نامه پرداخته نشده است.

- متون منظوم پهلوی به کوشش سجاد آیدنلو گرچه به اثر به آثار حماسی مختلف پس از شاهنامه و سبک آنان پرداخته اما هیچ بخشی از آن به رستم‌نامه اختصاص نیافته است.

- "Islamization of the Iranian National Hero Ruostam as Reflected in Persian Folktales" نوشته Soroudi که این مقاله با موضوع مسلمان شدن رستم در داستانهای عامیانه ایران در سال ۱۹۸۰ نوشته شده است. طبیعی است که در این مقاله به آثار این چینی‌نگاهی گذرا شده است و بررسی‌های صورت گرفته روی رستم‌نامه به دقت و وسعت پژوهش پیش‌رو نیست.

- فردوسی نوشته محمدامین ریاحی (ر.ک: کتابنامه) که در آن به شاهنامه، شیوه سرایش آن، زندگی فردوسی و نیز برخی از آثار تأثیر پذیرفته از آن پرداخته شده و باز هم جای رستم‌نامه در آن خالی است.

البته همانطور که گفته شد در آثار ذکر شده به موضوع پیش‌رو به گونه‌ای گذرا پرداخته شده و اثر مستقلی که با این رویکرد و با این دقت به بیان چرایی در آمیختن دو شخصیت ملی و دینی در رستم‌نامه بپردازد، وجود ندارد؛ بنابراین از نظر نوبودگی، مقاله پیش‌رو، پژوهشی درخور توجه است.

## ۲- بحث و بررسی

در این بخش با تکیه بر فرضیه‌های تحقیق ابتدا نگاهی گذرا به عصر پس از شاهنامه و علل نگاهی ستیزه‌جویانه و بدبینانه به این اثر خواهیم داشت و سپس به بحث و بررسی دقیق فرضیه‌ها خواهیم پرداخت تا درستی فرضیه‌ها را بسنجیم.

### ۲-۱- حماسه‌های مصنوع برآیند عصر شاهنامه‌ستیزی

نگارش شاهنامه در عصر باشکوه سامانیان آغاز گشته‌بود و با از میان رفتن این دولت ادب‌دوست و شاعرپرور، عصر اندیشه، استدلال، آزاداندیشی و فرهنگ بومی ایرانیان، به پایان رسید و عصر جهل و تعصب آغاز گشت (ر.ک: ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۶۰). دوره‌های پس از سامانیان دوره حاکمیت افراد غیر ایرانی است و در نتیجه اندیشه‌های ملی‌گرایانه چنان‌که در دوره سامانیان وجود داشت، از میان رفت.

«در عصر صفوی از زمان شاه طهماسب اول که فقها خصوصاً عرب‌تباران قدرت گرفتند، هرچه به اواخر صفویه نزدیک‌تر می‌شویم، مخالفت به قصه سرایی آشکارتر می‌شود و حتی فتوای حرمت داده‌اند. اما قصه‌پردازی در شکل مذهبی یا شبه‌مذهبی ادامه داشت و حتی در قصه‌هایی که اساساً مذهبی نبود و درونمایه تاریخی یا عاشقانه یا ماجراجویی و جادویی داشت، نکات و عبارات مذهبی گنجانیده شد تا جواز یابد» (زکاوتی قراگزلو، ۱۰۵: ۱۳۹۰). دیوان و مدرسه که در دوره سلجوقیان اصلی‌ترین رکن‌های ترویج اصول سیاسی و فرهنگی بودند توسط فقیهان و محدثان اداره می‌شدند و به همین سبب در این دو رکن تأثیرگذار خبری از زبان بومی ایرانیان، فارسی نبود و زبان عربی به عنوان زبان رسمی شناخته می‌شد (ر.ک: ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۶۱). در قرن ۷ و ۸ سراینده‌ای با نام شیخ حسن کاشی در ابیات خود از شاهنامه با نام «قصه مجاز» و «گنه‌نامه» نام می‌برد و مؤمنان را از خواندن آن برحذر داشته است (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: ۱۱). در کتاب النقص نوشته عبدالجلیل قزوینی رازی که در کتاب خود به فردوسی به عنوان شاعر شیعه مذهب افتخار می‌کند در بخشی به این موضوع اشاره می‌کند که متعصبان بنی‌امیه و مروانیان، گروهی بی‌دینان را جمع کرده‌اند تا حکایاتی بی‌اصل را در حق رستم و اسفندیار و زال و... وضع کنند (ر.ک: ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). در این میان عده‌ای سعی بر آن داشتند تا هویت و فرهنگ ایرانی را باز یابند و از انحطاط فرهنگ والای خود بکاهند. آمیختن شخصیت‌های حماسی با شخصیت‌های دینی و مذهبی راهی برای حفظ تعادل و نگاه‌داری از آن حماسه‌ها بوده است؛ این درآمیختن تا بدان جاست که در برخی روایت‌ها رستم، پهلوان نامدار ایرانی از فرزندان نوح (ع) و نمرود جبار سامی، معرفی شده‌اند و در برخی داستان‌های شفاهی توسط شاهنامه‌خوانان رستم مسلمانی است که نماز می‌خواند و تا ظهور امام زمان (عج) زنده است تا در رکاب ایشان



شمشیر بزند(ر.ک: ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۶). در هم‌آمیختگی سنن ملی و مذهبی حتی برای مراسم مهم باستانی ایرانیان، از قبیل عید نوروز وجود داشته است و برخی نوروز را با بعثت پیامبر(ص) و برگزیده شدن حضرت علی(ع) و ظهور امام زمان(عج) مقارن دانسته‌اند؛ این نمونه‌ها و دیگر موارد که بازگویی آن در این مجال نمی‌گنجد نشان از آن دارد که مردم ایران علاقه و احترام زیادی به هر دو مظهر ملی و دینی خود داشته‌اند(ر.ک: ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۷) و با تقارن آن‌ها سعی بر آن داشته‌اند که با مقدس پنداشتن شخصیت‌های حماسی آنان را جاودانه و از تیررس نگاه متعصبان محفوظ بدارند.

## ۲-۲- رستم‌نامه، حماسه‌ای دینی

رستم‌نامه که در عصر صفوی نگاشته شده شامل دو بخش است: قسمت نخست آن با عنوان «داستان مسلمان شدن رستم به دست امیرالمؤمنین علیه السلام» و بخش دوم آن «معجزنامه مولایی متقیان جناب امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علی علیه السلام» نامیده شده است. بخش نخست پس از ستایش پیامبر(ص)، مدح امامان(ع)، و ابراهیم بن مالک پسر مالک اشتر به عنوان یکی از یاران امام زمان(عج) و بخشی از سفرنامه سراینده به نجف گنجانده شده است. خلاصه‌ای از داستان رستم‌نامه اینگونه است که در زمان پادشاهی کیخسرو در ایران، حضرت سلیمان(ع) به ایران نامه می‌نویسد و پادشاه ایران را به یگانه پرستی فرامی‌خواند. ایرانیان رستم را به بارگاه پیامبر می‌فرستند تا قدرت و حشمت او را ارزیابی کند، رستم پس از گفت و گو با سلیمان اعلام می‌کند که فردا سلیمان را دست بسته به ایران خواهد آورد. سحرگاه که به بارگاه پیامبر می‌رود، سواری با عظمت در برابر خود می‌بیند که به رستم می‌گوید که ابتدا باید با او رزم‌آزمایی کند. رستم به سمت سوار حمله‌ور می‌شود که او رستم را با حرکتی به سمت آسمان می‌اندازد. در آسمان از یکی از فرشتگان به او می‌گوید که هرگاه به زمین نزدیک شد «یا علی» بگوید و بوسه بر پای آن سوار زند، رستم نیز یا علی گویان بوسه بر پای سوار می‌زند و نام او را جویا می‌شود، سوار پاسخ می‌دهد که ولی و شیر خدا علی(ع) است. رستم بی‌درنگ آتش پرستی را ترک می‌کند و به اسلام می‌گردد:

سپهدار ایران ز نو جان گرفت      ره کفر بگذاشت ایمان گرفت

بیاموخت آیین ارکان دین      شد از همت سیدالمرسلین

ببالید نور و بکاهید نار      چه شد رستم از دوستان کبار

(بی‌نا، ۱۳۸۷: ۱۴)

سلیمان نیز که با علم الهی از ماجرا آگاه است از رستم می‌خواهد تا نزد ایرانیان برود و آنان را به دین اسلام دعوت کند. ایرانیان سخن رستم مبنی بر اسلام آوردن را نمی‌پذیرند. سلیمان به ایران حمله می‌کند و کیخسرو پادشاه ایرانیان به غاری پناه می‌برد و کسی دیگر نشانی از او نمی‌یابد. بخش دیگر قسمت اول منظومه به فانی بودن دنیا اشاره می‌کند (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: ۳۸).

بخش دوم منظومه نیز داستانی است که در قالب آن به اسلام آوردن شاه چین اشاره می‌رود اما به دلیل تمرکز این پژوهش بر روی داستان رستم، پهلوان بومی ایرانیان، بازگویی آن بخش در این مجال نمی‌گنجد.

همان طور که اشاره رفت سراینده نامعلوم، رستم‌نامه را در عصر صفوی نگاشته است، عصری که متعصبان مذهبی بر ایران حاکم بوده‌اند و اندیشه‌ی تقابل با شاهنامه در آن دوره نیز استمرار داشته است؛ به عنوان مثال شخصی چون علامه مجلسی، شاهنامه را با تعبیر «قصه‌های راستی که لغو و باطل شد» و نشانه‌های منافقان را فقط رمیدن از ذکر علی (ع) نمی‌پنداشته است، بلکه شنیدن قصه‌های دروغ و افسانه‌های مجوس و شاهنامه را نیز از نشانگان منافقان می‌دانسته است. سید نعمت الله جزایری نیز شنیدن قصه‌های رستم و نظیر آن را، برابر با گناه و عبادت شیطان بازنشر می‌کرده است و خواستار آن است که ناظران به گردآوری وقایع دینی پردازند (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: ۲۹). در این عصر و با این نگاه‌های تک‌بعدی است که رستم‌نامه نگاشته می‌شود و همانطور که خلاصه‌ای از مضمون این داستان بیان شد، رستم در ابیات پایانی به دین اسلام روی می‌آورد؛ بنابراین این منظومه حماسی در قالب حماسه‌های دینی است که در پاسخ به شرایط جامعه پدید آمده است.

### ۳-۲- منظومه رستم‌نامه در پی حفظ پهلوان بومی ایران

حماسه‌ها می‌توانند دقیق‌ترین منبع برای بررسی آرمان‌ها، افکار، آرزوها و جهان‌بینی مردمان گذشته باشند (ر.ک: صفری‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۱)؛ رستم‌نامه نیز از این قاعده مستثنی نیست و در آن می‌توان به درستی به این موضوع پی برد که سراینده به دنبال نمایاندن این موضوع است که اگر رستم در آن شرایط و محیط مذهبی و در زمان حضرت علی (ع) می‌بود قطعاً به دین اسلام روی می‌آورد و پهلوانی و زورآزمایی خود را در راه آرمان‌های اسلامی بکار می‌گرفته است. در واقع مردم ایران در آن زمان خواستار نگاه‌داشتن نام پهلوان نامدار ایران، رستم در کنار امام شیعیان علی (ع) بودند که برآیند آن پدید آمدن این منظومه است.

نکته درخور توجه این است که سراینده تحت تأثیر اندیشه‌های بسیاری از بزرگان عصر

خود که شاهنامه و رستم را نکوهش و سعی بر تخریب این شخصیت حماسی داشتند، قرار نگرفته است، بلکه در ابیات خود به پهلوانی و نامداری رستم اشارات بسیاری کرده است؛ هنگامی که سران کشور ایران، رستم را به عنوان نماینده خود به نزد سلیمان می فرستند:

گو پیلین، ساز رفتن نمود      سر پهلوانیش بر چرخ سود

(بی، نا، ۱۳۸۷: ۶)

حتی هنگامی که زمان رویارویی رستم به نزد سلیمان (ع) فرامی رسد، از زبان سلیمان (ع) در باب پهلوانی و نامداری رستم این گونه نقل می شود:

سلیمان به آصف نمود این خطاب      بدان پور زال است این کامیاب

بیارا سپاه و بزن بارگاه      برای سپهدار ایران سپاه

که این پهلوان جهان، رستم است      چه او نامداری به عالم کم است

(بی، نا، ۱۳۸۷: ۷)

یکی از مختصات اصلی آثار حماسی توصیف جنگاوری و زورآزمایی هایی است که طی آن توانمندی پهلوانان اصلی اثر آزموده و اثبات می گردد (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۵) نکته درخور توجه در رستم نامه این است که شاعر این اثر حماسی نیز در میانه توصیف صحنه های نبرد، خواهان نمایاندن پهلوانی شخصیت اصلی اثر خویش، رستم است اما در میانه داستان برای نمایاندن توانایی و پهلوانی های شخصیت بزرگ بومی ایرانیان از مقابله رستم با افراد مذهبی دوری می گیرند و قدرت و زورآزمایی او را در قالب درگیری با دیوی نشان می دهد که در دیوان سلیمان نشسته است و رستم به دنبال جا برای نشستن در نزد سلیمان (ع) با دیو که از جای خود بر نمی خیزد رویارو و او را با ضربه ای بی هوش می کند:

برآشفتم رستم از آن هرزه گو      گرفتش گریبان فشردش گلو

ز یک دست هم پای آن شوربخت      گرفت و کشیدش ز بالای تخت

بزد دست آزاد در گردنش      کزان صدمه لرزید جان در تنش

(بی، نا، ۱۳۸۷: ۸)





و سپس تمامی دیوهای آن جمع از قدرت او هراسان شده بودند و سلیمان(ع) نیز از قدرت و پهلوانی رستم متعجب گشته و آن را به زبان می‌آورد:

سلیمان ز رستم تعجب بماند      جهان آفرین را نهانی بخواند  
 به آصف نگه کرد کای نامدار      بود قوت رستم از کردگار  
 چپ و راست دیوان تمامی به خشم      به رستم نگه کرد از زیر چشم  
 کسی را نبد جرئت دم زدن      نیاراستی دیده بر هم زدن

(بی‌نا، ۱۳۸۷: ۹)

آنچه گفته شد نشان از این دارد که سراینده حرمت و جایگاه پیامبر و امامان را نگاه داشته است اما همچنان در پی نمایاندن قدرت پهلوان بومی ایرانیان، هوشمندانه ابیاتی را در خلال داستان، بیان می‌کند تا قدرت رستم را بر همگان روشن سازد.

در این میان، آغاز قسمت اول رستم‌نامه ستایش پیامبر است و ابیات منظومه بر محوریت بزرگی و ارج شخصیت‌های شیعیان حضرت علی(ع) و سلیمان(ع) بنا شده است؛ برقراری این توازن و تعادل حکایت از آن دارد که شاعر دغدغه حفظ نام پهلوان بومی ایران را دارد و با بیان داستانی زیرکانه این نکته را یادآور می‌شود که اگر رستم در زمانه حضرت علی(ع) بود به رکاب او می‌پیوست و در حقیقت رستم را در قالب داستان منظومه‌اش از نگاه تک‌بعدی جامعه خود می‌رهاند.

### ۳- نتیجه‌گیری

بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش این نکته را بر ما آشکار می‌سازد که رستم‌نامه، حماسه‌ای است دینی که در عصر صفویان، توسط سراینده‌ای نامعلوم و در پاسخ به شرایط حاکم بر جامعه پدید آمده است؛ شرایطی که در آن حاکمان، هرگونه تلاش برای زنده ساختن آیین‌ها و اندیشه‌های ایران پیش از اسلام را بر نمی‌تافتند؛ به همین دلیل است که می‌توان گفت که هر ملتی، خود، بر سازنده حماسه خویش است و شاعران تنها نقش کارگزارانی دارند که منظومه را به نظم می‌کشند و اگر چنین نباشد منظومه یا با طبع عموم سازگار نمی‌شود و یا به سرعت فراموش خواهد شد(ر.ک: صفا، ۱۳۸۷: ۳۰). شاعر رستم‌نامه به دنبال آن بوده است که میان شخصیت‌های مهم حماسی - ملی و دینی - مذهبی جامعه مسلمان شده ایران، توازن و تعادل ایجاد کند(ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: ۲۸).

درک این نکته، برای فهم کلیت اثر ضروری است که سراینده رستم‌نامه توانسته است با زیرکی، نام پهلوان بزرگ ملی و بومی ایرانیان را در میانه بحران‌های دوره خویش زنده نگاه دارد. در جامعه دوره صفویه که بزرگان جامعه و حتی برخی نویسندگان و شاعران، آثار حماسی و شاهنامه را نکوهش کرده و از آن با عناوینی چون «قصه‌های راستی که لغو و باطل شد»، «گنه‌نامه» و «قصه مجاز» یاد می‌کردند (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: ۱۱)، سخن راندن از قهرمان ملی ایرانیان و نگاشتن اثری به نام وی، کاری شایان توجه است.

شاعر این اثر، کوشیده است که نام پهلوان ایران را با مسلمان شدن، از نگاه تک‌بعدی حاکم بر جامعه مصون بدارد و او را که هراس از بین رفتن نامش وجود داشت، جاودانه سازد؛ افزون بر این وی پهلوانی‌ها و زورآزمایی‌های رستم را به گونه‌ای هوشمندانه بیان می‌کند؛ هوشمندانه به این دلیل که دلآوری‌ها و زورآزمایی‌های رستم در جدال با دیوی که در نزد سلیمان (ع) است رخ می‌دهد و جنگ بر سر جایگاه نشستن دیو صورت می‌گیرد. داستان این جدال که در میانه ماجرا رخ می‌دهد و باعث درگیری میان رستم و در نهایت ضربه قدرتمندانه وی به دیو می‌شود، نشان از این دارد که شاعر دغدغه نمایاندن قدرت پهلوان بومی ایرانیان در میانه یک نبرد و زورآزمایی را داشته است؛ این در حالی است که اگر شاعر زورآزمایی رستم را در مقابل شخصیت‌های دینی که برای عموم مقدس بودند، توصیف می‌کرد، شخصیت رستم به عنوان پهلوان ایران زمین تخریب می‌شد.

در نهایت شاعر با بهره‌گیری از نوع ادبی حماسی، کوشیده است به تبیین این مسئله پردازد که چنانچه رستم با حضرت علی (ع)، هم عصر بود، چه بسا به رکاب آن حضرت می‌پیوست و توان و قدرت خود را برای آرمان‌های مذهبی به کار می‌گرفت. او با این ادعا که در قالب یک منظومه حماسی تبیین شده، میان ذهن اسطوره‌پسند ایرانیان و علاقه آنان به امام شیعیان علی (ع)، توازن و تعادلی درخور توجه ایجاد کرده و با این رویکرد، نام پهلوان ملی و بومی ایران زمین را از گزند متعصبان، مصون داشته است.

#### ۴- پیشنهادها و دستاوردهای کاربردی

یافته‌ها و نتایج پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد که آثار ادبی، به ویژه آثار حماسی کارکردشان در حوزه بررسی‌های ادبی صرف محدود نمی‌شود بلکه بررسی دقیق آن‌ها با توجه به عصر و زمانه تاریخی که در آن پدید آمده‌اند، می‌تواند به درکی صحیح‌تر از رویکردهای اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی در طول تاریخ بیانجامد؛ بنابراین نگرش غالب جامعه مبنی بر تفننی بودن آثار حماسی نه تنها اشتباه است بلکه بررسی حماسه‌های طبیعی و مصنوع می‌تواند به ابزاری کاربردی برای درک هرچه بهتر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی ایرانیان تبدیل گردد؛ ابزاری که بهره‌گیری از آن به پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی، تاریخ و علوم سیاسی پیشنهاد می‌گردد.



## مراجع:

- استاجی، ابراهیم و صادقی‌منش، علی (۱۳۹۵)؛ «بررسی هم‌سنج جدال بر سر تصاحب زن در دو اثر حماسی بانوگشسب‌نامه و ایلید»، سال ۸، شماره ۱۴: صص ۲۳-۴۶.
- انصاری، جمال (۱۳۸۶)؛ تاریخ فرهنگ ایران (از آغاز تا پایان عصر پهلوی)، تهران، سبحان نور.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸)؛ متون منظوم پهلوی (برگزیده منظومه‌ها پهلوانی پس از شاهنامه)، تهران، سمت.
- بی‌نام (۱۳۸۷)؛ رستم‌نامه، به کوشش سجاد آیدنلو. تهران: میراث مکتوب.
- ذکاوتی قراگزلو، علی‌رضا (۱۳۹۰)؛ «رستم‌نامه به انضمام معجزنامه مولای متقیان»، آیین پژوهش، سال بیست و دوم (شماره ۱۲۹)، شماره پیاپی: صص ۱۲۸-۱۲۵.
- ریاحی، محمدمامین (۱۳۸۹)؛ فردوسی، چاپ پنجم. تهران، طرح نو.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)؛ نامورنامه (درباره فردوسی و شاهنامه)، چاپ سوم. تهران: نشر سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)؛ انواع ادبی، چاپ دهم. تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۷)؛ حماسه سرایی در ایران از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، چاپ چهارم. تهران: فردوس.
- صفری‌نژاد، حسین (۱۳۹۱)؛ «نگاهی گذرا به جایگاه و نقش زنان در شاهنامه فردوسی و ایلید و اودیسه هومر»، کتاب ماه ادبیات، سال ششم (شماره ۶۲)، شماره پیاپی ۱۷۶: صص ۲۶-۲۰.

Soroudi, s, "Islamization of the Iranian National Hero Ruostam as Reflected in Persian Folktales", Jerusalem Studies in Arabic and Islam, II, 1980, pp.365-383.